

به نام خدا

متن نامه زیر را به دقت خوانده و به صورت نثر روان امروزی باز نویسی کنید

ترکمان – فرزندگان نهاوند

آبان ۹۳

مخدوم مهربان من:

از آن زمان که رشته مراودت حضوری گسسته و شیشه شکیبایی از سنگ تفرقه و دوری شکسته، اکنون مدت دو سال افزون است که نه از آن طرف بریدی و سلامی و نه از اینجانب قاصدی و پیامی. طایر مکاتبات را پر بسته و کلبه مراودات را در بسته.

تو بگفتی که به جا ارم و گفتم که نیاری عهد و پیمان وفاداری و دلداری و یاری

الحمدالله فراغتی داری. نه حضری و نه سفری، نه زحمتی و نه بی خوابی، نه بر هم خوردگی و نه اضطرابی.

مقدری که به گل نکهت و به گل جان داد به هر که هر چه سزا دید حکمتش، ان داد

شما را طرب داد ما را تعب. قسمت شما حضر شد و نصیب ما سفر. ما را چشم بر در است و شما را شوخ چشمی در بر. فرق است میان آنکه یارش در بر است با چشمش بر در. خوشا به حالت که مایه معاشی از حلال داری و هم انتعاشی در وصال؛ نه چون ما دلفکار و در چمن سراب گرفتار. روزها روزه ایم و شب ها به دریوزه. شکر خدای را که طالع نادری و بخت اسکندری داری. نبود نکویی که در اب و گل تو نیست جز آنکه فراموشکاری.

یاد یاران یار را میمون بود خاصه کان لیلی و ان مجنون بود

یاد ارید ای مهان زین مرغ زار یک صبحی در میان مرغزار

این روا باشد که من در بند سخت گه شما بر سبزه گاهی بر درخت

مخلصان را امشب بزمی نهاده و اسباب عیشی ترتیب داده. دلم پیاله، مطربم ناله، اشکم شراب، جگرم کباب. اگر شما را

هوس چنین بزمی و به یاد تماشای بی دلان عزمی است بی تکلفانه به کلبه ام گذری و به چشم یاری به شهیدان کویت

نظری ،ماییم و نوای بینوایی بسم الله اگر حریف مایی (منشات قایم مقام)

والسلام